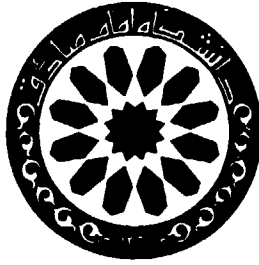


تقدیر  
بر اختران



شماره ثبت ۱۶۲  
شماره ۴

کتابخانه مرکزی دانشگاه امام صادق (ع)

۲۰ / ۳ / ۱۳۸۰

دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد اقتصاد

# کاوشی در مفهوم اقتصاد اسلامی

0136663

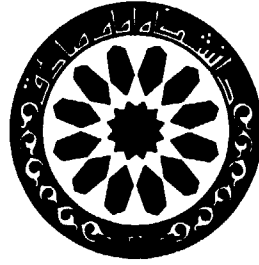
امیرعباس فرنودی

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین آقای قربانعلی درّی نجف آبادی

تابستان ۱۳۷۹

۳۶۴۸۲



**دانشگاه امام صادق (علیه السلام)**

دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد اقتصاد

# کاوشی در مفهوم اقتصاد اسلامی

امیرعباس فرنودی

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین آقای قربانعلی درّی نجف آبادی

استاد مشاور:

دکتراسدالله فرزین وش

تابستان ۱۳۷۹

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری،  
ترجمه، اقتباس و... از این پایان نامه کارشناسی ارشد  
برای دانشگاه امام صادق علیه السلام محفوظ است. نقل  
مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای آقای امیر عباس فرنودی ..... ۶۹۳.۷۱۸۲۲

تحت عنوان ... کاوشی در مفهوم اقتصاد اسلامی

را از نظر شکل و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیوسته پیشنهاد می کنند.

اعضای هیأت داوران نام و نام خانوادگی رتبه علمی محل امضاء

- |   |                  |     |
|---|------------------|-----|
| (۱) استاد راهنما:                         | قراباغی درسی نیا |     |
| (۲) استاد مشاور:                          | اکبر فرزین دست   |     |
| (۳) نماینده شورای تحصیلات تکمیلی دانشکده: | دکتر م. م. م.    |     |
| (۴) اساتید ناظر:                          | محمد علی محمدی   | (۱) |
|   |                  | (۲) |

استرسی به این مدرک بر پایه آیین نامه ثبت و اشاعه پیشنهادیه، پایان نامه ها، و رساله های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایه قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

## چکیده

سؤال اصلی این تحقیق این است که مفهوم اقتصاد اسلامی چیست؟ آیا انتظار اقتصاد داشتن از اسلام صحیح است، البته اگر منظور از اقتصاد، علم باشد. آیا بین تئوریهای اقتصادی و اسلام ارتباطی متصور می‌باشد؟ این ارتباط چگونه است؟ آیا منظور از اقتصاد اسلامی، علم اقتصاد اسلامی است یا نظام اقتصادی اسلام، و یا حتی منظور از آن مجموعه احکام اقتصادی است. نهایتاً آیا محور تنظیم امور اقتصادی مسلمین می‌تواند تئوریهای علم اقتصاد مرسوم به تمامه باشد؟

اسلام دین حق است و در تمام امور فردی، اجتماعی، معنوی و مادی احکام دارد و سرپرستی کامل هدایت بشر در طول تاریخ را به عهده دارد. در حوزه فقه فعلی، احکام تعیین می‌شوند و تطبیق این احکام با موضوعات پیچیده به عهده کارشناس و متخصص است لذا در تطبیق و تشخیص احکام با موضوعات، علم رکن اصلی است. علم به طور اعمّ و علم اقتصاد به طور اخصّ به صورت صرف و خالص ممکن نیست به این معنی که تئوریها نمی‌توانند عاری از پیش‌داوری، ارزش‌گذاری و جهان‌بینی باشند. بنابراین باید به موضوعات از زاویه دیگری نگریست و کلیت قضایا را در یک متن متافیزیکی اسلامی قرار داد. نگرش به آنها، جامعه، جهان و هدف از زیستن باید هم جهت باشد و در جهتی که اسلام گفته است. علم به طور خالص نمی‌تواند به توصیف پدیده‌ها بپردازد و علاوه بر این جهت‌گیری‌های کاربردی آن متأثر از جهان‌بینی، پیش‌فرضها و ارزش‌گذاریهای می‌باشد. بنابراین اقتصاد اسلامی مفهومی متناقض نمی‌باشد و نکته آخر این که این تحقیق به مفهوم اقتصاد اسلامی پرداخته است نه مصداق آن.

واژگان کلیدی:

اقتصاد اسلامی، نظام اقتصادی، هدف نظام، سرمایه‌داری، سوسیالیسم، فقه،

دین، تئوری اقتصادی.

## النبذة

السؤال الاصيل في هذا البحث هو مفهوم الاقتصاد الاسلامي. هل هنا علاقة بين الاسلام و النظريات الاقتصادية. ما هي كيفية هذه العلاقة. هل نريد من الاقتصاد الاسلامي علم الاقتصاد أو المكتب و النظام الاقتصادي او فقه الاقتصاد و الاحكام الاقتصادية.

الاسلام دين الحق و له احكام في كل المجالات. تطبيق هذه الاحكام مع الموضوعات المعقدة على العالم الاقتصادي. نرى هنا دوراً اساسياً لعلم الاقتصاد في هذا التطبيق. لا يمكن ان تكون النظريات الاقتصادية خالٍ و عارٍ عن الايديولوجية، القيم مفروضة خاصة و نظر الانسان الى العالم كله. بناءً على هذا، النظرة الى الموضوعات، المجتمع، العالم و الحياة تجب ان تكون في جهة واحدة و هي جهة التي تُشير اليها الاسلام.

العلم لا يقدر ان يصف الظواهر و الحوادث بصورة خالصة و ايضاً الجهات الاستعمالية في العلم متأثرة من القيم و الايديولوجية و كيفية النظر الى الحياة و ... . هذا البحث مفهومي و ليس بحثاً مصداقياً. الاقتصاد الاسلامي صحيح و ليس مفهوماً متناقضاً.

المصطلحات الاصلية :

الاقتصاد الاسلامي المكتب الاقتصادي، هدف النظام، الرأسمالية، الاشتراكية،

الفقه، الدين، النظرية الاقتصادية:

## فهرست مطالب

### صفحه

پیشگفتار ..... ۱

### فصل اول:

#### مفهوم دین

۱-۱. مقدمه ..... ۶

۲-۱. تعاریف مختلف دین و بررسی آنها ..... ۷

۳-۱. جمع بندی ..... ۱۸

### فصل دوم:

#### تحلیل گزاره‌های دینی

۱-۲. دین بیانگر گزاره‌های سمبلیک در امور فردی و معنوی ..... ۲۲

۲-۲. دین بیانگر گزاره‌های حقیقی در امور فردی و معنوی ..... ۲۷

۳-۲. دین بیانگر گزاره‌های حقیقی در امور فردی و اجتماعی ..... ۳۰

### فصل سوم:

#### حوزه فقه

۱-۳. فقه و اعمال باطنی ..... ۴۶

۲-۳. فقه و اعمال اجتماعی ..... ۴۷

۳-۳. فقه و نظام‌سازی ..... ۵۴

الف



۵۶	۴-۳. فقه و موضوعات
۵۷	۴-۳. ۱. موضوعات شرعی
۵۸	۴-۳. ۲. موضوعات عرفی
۵۸	۴-۳. ۳. موضوعات صرفه (اعیان خارجی)
۶۱	۴-۳. ۵. منطقه الفراغ
۶۲	۴-۳. ۶. سیره و فعل معصوم
۶۳	۴-۳. ۷. حدود دخالت عقل و نتیجه آن
۶۴	۴-۳. ۸. جمع بندی

## فصل چهارم:

### اقتصاد و ماهیت تئوری‌های اقتصادی

۷۲	۴-۱. تعریف اقتصاد
۷۹	۴-۲. هدف در نظام اقتصاد سرمایه‌داری
۸۲	۴-۳. هدف در نظام اقتصاد سوسیالیستی
۸۳	۴-۴. هدف در نظام اقتصاد اسلامی
۸۹	۴-۵. ماهیت تئوری‌های اقتصادی
۹۵	۴-۶. اقتصاد علمی تجویزی
۹۷	۴-۷. علم دینی
۹۹	۴-۸. اقتصاددانان مسلمان یا اقتصاد اسلامی
۱۰۱	۴-۹. نقطه حرکت در اقتصاد اسلامی

۱۱۰ نتیجه‌گیری

۱۱۳ فهرست منابع و مآخذ

## پیشگفتار

در سالهای اخیر چند موضوع در محافل علمی و فرهنگی به طور نسبی، فراوان مطرح بوده است از جمله: اسلامی شدن دانشگاه و مفهوم آن مورد بحث و مناقشه زیادی قرار گرفته است. در این میان عموماً اینگونه استدلال می‌شده است که کار علمی و تتبع و تحقیق امری مطلق است و اسلامی و غیراسلامی و یا غربی یا شرقی ندارد. علم روش خاص خود را دارد که آن نیز ارتباط به مسائل دینی و غیر آن ندارد. این مطلب نه تنها از سوی مخالفان دین بیان می‌شود بلکه برخی از متدینان نیز به آن معتقدند و لذا صحبت از علم اسلامی و یا اسلامی شدن دانشگاه را فاقد معنا یا اصولاً امری بی‌فایده می‌دانند و حداکثر برخی آن را در دایره علوم اجتماعی صادق و محتمل می‌دانند که تعداد آنها نیز چندان نیست و برای آن نیز شروطی خاص قائلند. مثل به وجود آمدن جامعه‌ای اسلامی با شرایط ویژه‌ای که در آن برخی اصول پیاده شده است.

این تحقیق بر آن است که نشان دهد آیا انتظار اقتصادی داشتن از اسلام صحیح است؟

به عبارت دیگر مفهوم اقتصاد اسلامی چیست؟ و آیا این مفهومی صحیح است اگر منظور از اقتصاد علم باشد. آیا مباحث و تئوری‌های اقتصادی با اسلام ارتباطی دارند؟

این ارتباط بین اقتصاد، عقاید و مفاهیم ارزشی چگونه است؟ اگر ارتباطی بین علم اقتصاد و یک نظام ارزشی مانند اسلام موجود است این ارتباط چگونه می‌باشد؟

به طور مثال آیا منظور از اقتصاد اسلامی یک علم اقتصاد خاص است و یا اقتصاد اسلامی یک نظام خاصی همچون نظام اقتصادی سرمایه‌داری و یا نظام اقتصادی سوسیالیستی می‌باشد؟ با توجه به این ارتباط آیا عنوان اقتصاد اسلامی صحیح است؟

اگر نه چه عنوانی مقرون به صواب می‌باشد. به طور مثال آیا نمی‌توان به جای اقتصاد اسلامی، اقتصاددان مسلمان گفت؟ نهایتاً آیا انتظاری اقتصادی از اسلام می‌توان داشت یا اقتصاد اسلامی تنها بیانگر مقداری احکام فقهی مثلاً در مورد تجارت و اموری مانند آن است و یک سری قوانین حقوقی را در زمینه اقتصاد بیان می‌دارد و تئوریها باید به گونه‌ای باشد که فقط در چارچوب این حقوق اقتصادی بگنجد و ظاهراً با آنها تعارض پیدا نکند؟ این موضوع به نظر می‌رسد که اهمیت به سزایی در مباحث نظری دارد و در نهایت روی مباحث کاربردی و سیاستهای اقتصادی و مدل‌های برنامه‌ریزی موثر خواهد بود و آغاز مسیر را جهت حل مشکل و یا مشکلات اقتصادی

جامعه اسلامی روشن خواهد کرد. به عنوان نمونه محور تنظیم امور اقتصادی جامعه اسلامی ما آیا می‌تواند تئوریهای علم اقتصاد موسوم به تمامه باشد و یا شاید در برخی موارد تئوریهای سوسیالیستی می‌تواند کارساز شود و یا اصلاً باید از زاویه دیگری به مسائل نظر افکند و آنها را بررسی کرد تا مشکلات به صورت اساسی و مبنایی حل شوند. سعی شده است که در این تحقیق این مسائل تا حدودی روشن شود تا چه قبول افتد.

بدین منظور در فصل اول دین و یا به بیانی دیگر اسلام تعریف شده است و آن معنایی که از دین مطرح و مدنظر این تحقیق بوده است آمده است. در فصل دوم به تبیین گزاره‌های دینی با توجه به آن تعریفی که از دین شده بود پرداخته شده است چرا که باید حوزه دین تا حدودی توسط این دو فصل مطرح می‌شد که مشخص گردد که منظور از اسلامی که در اقتصاد اسلامی آورده می‌شود چیست. در فصل سوم به حوزه فقه به صورت مبسوط‌تری پرداخته گردیده است چرا که با توجه به تعریفی که از دین شده است دین دارای قوانین و مقرراتی است که بسیار به موضوع این پایان‌نامه مربوط است و با روشن شدن حوزه آن این مسئله آشکارتر می‌گردد. در فصل چهارم و آخر تعریف علم اقتصاد و اهداف مختلف اقتصاد آمده است. در ارتباط این مسئله با تئوریهای اقتصادی و به بیان دیگر ماهیت علم و تئوریهای علمی به طور کلی و ماهیت

تئوریهای اقتصادی به طور اخص با مثالهایی بررسی شده است و ارتباط آنها با معارف

دینی و جهان‌بینی‌های مختلف سعی شده است که تبیین گردد.

در اینجا لازم است که از استاد گرانقدر جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای

دژی نجف‌آبادی نهایت تشکر و سپاسگذاری را به عنوان استاد راهنما بنمایم که با

راهنمایی‌ها و تذکرات و سعه صدرشان در به انجام رسیدن این تحقیق، این حقیر را

راهنمایی کردند و نیز از استاد عزیز جناب آقای دکتر فرزین‌وش استاد مشاور این

تحقیق نیز کمال تشکر و سپاسگذاری را دارم.

امیرعباس فرنودی

# فصل اوّل

## مفهوم دین

## ۱-۱. مقدمه

در تحقیقاتی از این دست ابتدا باید به مطالعه ایدئولوژی یا دکترین اسلامی پرداخته شود و فلسفه اسلامی که از آن اقتصاد اسلامی می‌خواهد استخراج شود باید معلوم باشد که چیست. معمولاً این مطلب (ارائه تصویری از دین و اسلام) در چند صفحه خلاصه می‌شود که این اختصار بیش از حد باعث می‌گردد که خواننده نتواند یک تصویر منسجم و مناسب از مفهوم مورد نظر به دست آورد. به نظر می‌رسد یک عامل این مطلب فروتنی نویسندگان و محققان با تجربه است که باعث خودداری آن از طرح این ایده اساسی و حیاتی می‌شود. نباید با طرح بعضی شعارهای کلی به سادگی و آسودگی از کنار این مطلب گذشت و سهل‌انگاران موضوع را طرح کرد، به طور مثال در یک کشور اسلامی شهروندان بیش از منافع شخصی خود، به وسیله ارزشهای نوع‌دوستانه تحت تأثیر قرار می‌گیرند و این ارزشهای اخلاقی اسلامی به صورت توابعی در منحنی عرضه و تقاضا محسوب می‌گردند یا مورد نظر قرار می‌گیرند و سعی در این

که چنین ارزشهایی ویژه سیستم اسلامی است و متضاد با سیستم لیبرالیستی و یا حتی سوسیالیستی است و آنها نظامهایی‌اند که به انگیزه‌های خودمحوری یا منافع شخصی محدود شده‌اند، سعی کاملاً صحیحی نیست.

روش بحث و تتبع به این ترتیب است که ابتدا تصویری از دین و یا اسلام ارائه شود که به نظر صحیح می‌رسد و بر اساس آن مطالب و ارتباط بین فصول آینده خواهد آمد.

## ۲-۱. تعاریف مختلف دین و بررسی آنها

در تعریف دین و ماهیت آن نظرات گوناگونی بیان شده است که برخی از آنها به نظر مهمتر می‌آید که به ذکر آنها پرداخته می‌شود و تعدادی از آنها مورد نقد قرار می‌گیرد.

تی یل (C.P. Tiele)، (۱۸۳۰-۱۹۰۲) نوشت که «در حقیقت، دین وضعیتی روحی و یا حالتی ناب و حرمت‌آمیز است که آن را خشیت (Bradley) می‌خوانیم. [۱] برادلی (F.H. Bradley)، (۱۸۶۴-۱۹۲۴) می‌گفت که: «دین، بیش از هر چیز، کوششی است برای آنکه حقیقت کامل خیر را در تمام وجوه هستی‌مان باز نماییم.» [۲] جیمز مارتینو (James Martineau)، (۱۸۰۵-۱۹۰۰) مدعی بود که: «دین اعتقاد به خدایی همیشه زنده است یعنی اعتقاد به اراده و ذهنی الهی که حاکم بر جهان است و با نوع بشر مناسبات



اخلاقی دارد.» [۳] مشخص است که در تعریف اول بر خشیت تأکید شده و در تعریف دوم، دین‌باخیر پیوند خورده و تعریف سوم، اعتقاد به جنبه‌های اخلاقی یکتاپرستی (*ethical monotheism*) مورد توجه قرار گرفته است.

لگنهاوزن چنین می‌گوید: «در مباحث کلام فلسفی یا فلسفه دین در غرب، دین عموماً به معنای تئیسیم (اعتقاد به خدای یکتا) است هر چند اذعان می‌شود ادیان غیر تئیسیمی (غیر توحیدی) همچون بودیسم و ودانتا وجود دارد.» [۴]

البته باید توجه داشت که آنچه مسلمین از دین اراده می‌کنند شامل مفهومی از خداوند است که به مراتب عام‌تر از مفهومی است که تعاریف غربی امروزه از تئیسیم مجاز می‌دارد و نیز این نکته حائز اهمیت است که تئیسیم یک آموزه (نظریه) است که شامل شریعت الهی نمی‌گردد تا چه رسد به اینکه آن را شیوه‌ای برای زندگی تلقی کند. [۵]

برخی دین را به عنوان کالایی فرهنگی معرفی می‌کنند و همانطور که زمان، نژاد و سایر مقومات فرهنگی بخشی از شناسنامه فرهنگی فرد است دین نیز از این دست است و دقیقاً به همین دلیل قابل احترام و مقدس است. لذا اگر فردی در ایران و در خانواده‌ای شیعی متولد شود، مسلمانی شیعه خواهد شد و بدان نیز باید افتخار کند و اگر این فرد در تل آویو متولد می‌شد یک یهودی و باید به آن افتخار می‌کرد بنابه دلایل مذکور.

در اینگونه برداشت و تعریف از دین که می‌تواند بسیار فراگیر و در ادیان مختلف هم مشترک باشد و اصحاب قلم و ادب و شعر و تاریخ و ..... هم طرفدار آن باشند، دین یک متاع فرهنگی است و یک مختصه هویت فرهنگی، و صرفاً به همین دلیل باید مورد احترام باشد و درباره صحت و سقم مطالب آن نمی‌توان صحبت کرد، حتی درباره معنی دقیق آن هم نمی‌توان تردید محتوایی (Semantic) مطرح نمود، همانطور که در مورد اسم افراد ملیت یا نژاد آنها نمی‌توان دغدغه حقیقت داشت. تنها کار مهم در مورد دین فرهنگی باستان‌شناسی (Archeology) است. همانطور که باستان‌شناسان یهودی درباره قرائت قرآن تحقیقات وسیع کرده‌اند و یا مستشرقی مانند مونتگمری وات، درباره غیبت کبری انجام داده است. [۶]

به نظر می‌رسد همانطور که نژاد، زبان و ملیت ارزش معرفتی ندارند چنین دینی نیز ارزش معرفتی ندارد. دین فرهنگی، مانند موسیقی محلی یا معماری سنتی یا زبان شیرین پارسی است، زیباست، جذاب است، مهم است. ولی می‌تواند نوعی دیگر نیز باشد. می‌توان به زبان آلمانی نیز سخن گفت. دینی که تفننی باشد و به سبب استفاده کننده و به سفارش وی تهیه شده باشد دینی اصیل (Authentic) نیست.

دینداری باید بر اساس حقیقت بنا شده باشد دینی اصیل است که متدین بدان، از دغدغه حقیقت به آن راه یافته باشد و آن دین تاب مقاومت در مقابل نقادی

حقیقت‌جویانه را آورده باشد و هیچ جویای حقی از آن گریزی ندارد. دین که به نقیض

خود عرضه شده و از معرکه سرافراز و پیروز و سربلند بیرون آمده باشد. [۷]

مؤلفان کتاب عقل و اعتقاد دینی می‌گویند: «دین متشکل از مجموعه‌ای

اعتقادات، اعمال و احساسات (فردی و جمعی) است که حول مفهوم حقیقت‌غایی

سامان یافته است. این حقیقت را می‌توان بر حسب تفاوت ادیان با یکدیگر، واحد یا

متکثر، متشخص یا نامتشخص، الوهی یا غیرالوهی و نظایر آن تلقی کرد. [۸]

ایان باربور (I.G.Barbour) اینگونه تعریف می‌کند: «دین در معنای وسیعش

سمت‌گیری و سلوک کلی زندگی است در برابر آنچه که غایت‌القصوی و سزاوار کمال

دلبستگی و سرسپردن دانسته می‌شود.» [۹]

برخی دین را اینگونه تعریف می‌کنند که: «دین مجموعه گزاره‌هایی است که از

طریق وحی یا نبی یا ولی معصوم بیان شده است که البته این باید پس از اعمال

روش‌شناسی علوم تاریخی باشد تا صدور آنها از آن مراجع مقدس احراز شده باشد. با

توجه به این تعریف فهم دینی یا معرفت دینی هم یعنی ارائه یک تفسیر (یا معنی) از

این گزاره‌ها که با هم سازگار باشند. به عبارت دیگر به عنوان یک پدیده

تفسیری (Hermeneutic) مدنظر قرار می‌گیرد. از این تعریف و تلقی چند نتیجه حاصل

می‌گردد:

الف) دین با مجموعه‌ای از گزاره‌ها تحدید می‌شود، این گزاره‌ها ثابت‌اند، حوادثی

هستند که اتفاق افتاده‌اند و این فرد قاری است که هربار می‌خواهد دین را بفهمد به

گزاره‌ها معنی می‌دهد برخی این مطلب را تعبیر به شریعت صامت کرده‌اند.

ب) حوزه دین و فهم دینی توسط گزاره‌هایی که دین را می‌سازند روشن می‌شود

اگر در قرآن راجع به آسمانهای هفتگانه آمده، فهم این آیات فهم دینی است درست

مانند فهم توحید و یا آیات معاد و زکات. اگر در روایات راجع به خواص میوه‌ها - البته

صحیح - یافت شود این حدیث خود دین است و فهم آن معرفت دینی است درست

مانند احادیثی که قصاص را می‌گویند و ارث را توجیه می‌کنند و .... زیرا هر آنچه از وحی

آمده یا از لسان معصوم صادر شده در مجموعه دین است و فهم آن فهم دین.

ج) قاری هنگامیکه با این گزاره‌های صامت مقابل می‌شود فرض می‌کند که

فردی عاقل و صادق و آگاه این مطالب را بر زبان رانده است لذا باید معنی سازگار و

همگنی داشته باشد و سعی خواهد کرد یک شبکه معنی برای این مجموعه ارائه دهد.

این شبکه معنی از یکسو باید در اندیشه وی به خرگاه حقیقت وصل باشد و از سوی

دیگر باید مجموعه گزاره‌های دین را توجیه کند. این مسلک تفسیری است اما در

مسلک تاریخی شبکه معنی که برای گزاره‌ها ارائه می‌شود تعهدی به حقیقت ندارد

بلکه برعکس، صرفاً حادثه تاریخی اولیه را روشن می‌نماید.